

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میساده
بدین بوم ویر زنده یک تن مسیاده
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۷ اپریل ۲۰۱۴

ترکیب "عبدالجاوید" از نگاه دستوری

خوشحالم که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از بدو تأسیس خود به خط مشی و پالیسی نشراتی خود وفادار مانده و حتی خطوه ای تخطی از آن را به خود عار میدانند. از جمله صفحات ممتاز و بلکه منحصر به فرد پورتال، یکی هم صفحه "مسائل آیدئولوژیک" است، که محلّ و منزل تضارب و تعاطی و تقاطع افکار متنوع و متفاوت میباشد. نویسنده با استفاده ازین دریچه، برخاسته از طرز دید و جهانبینی خود، عقیده و باور خویش را آزادانه و بدون این که ابرام و مجامله و امتیاز و تفریق و تبعیضی در کار باشد، بیان میدارد. سخت خوشحالم که نویسندگان با دردد و بامسئولیت و ظنم از این زمینه آماده حدّ اعلاّی استفاده را کرده و عقائد خود را بی پرده و پوستکنده به میدان می اندازند.

چندی پیش همکار گرامی پورتال، الحاج داکتر صاحب امین الدین سعیدی، که در ساحه دین اسلام معلومات فراوان فراهم کرده اند، موضوع "دعای بد و نفرین" را از نگاه دین اسلام به کاوش گرفتند و بعد دیدیم که همکار گرانقدر دیگر ما، ارجمند جاوید، نظر خود را در زمینه ابراز کرده و سؤالاتی را مطرح کردند. جناب سعیدی طی ارائه جواب مؤرخ دوم اپریل خود، بصورت ضمنی و از باب معترضه نکته دیگری را مطرح کرده نوشتند:

«میخواستم در مورد نظر برادر، معظم جاوید(عبدالجاوید) - چون جاوید به نزد مسلمانان صرف ذات باری تعالی است که بهتر است پیشوند و یا پسوند داشته باشد)، اولاً ساکت بمانم و آن را مانند بحث غنا بخشنده به قضاوت خواننده معظم بگذارم، اما»

جوابیه ارجمند جاوید جان در صفحه ۵ اپریل، که متضمن رد سخنان داکتر صاحب از جهات مختلف بود، حتماً از نظر خواننده گرامی گذشته است. محترم جاوید ولی در آخر نوشته خود متصدیان پورتال را مخاطب ساخته و نظر ایشان را در زمینه خواستار گردیده است.

اینک این درویش به حیث یکی از متصدیان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و به اجازه دیگر متصدیان گرانقدر پورتال، عرایض ذیل را ارائه میدارد:

میخواستم جوابیه را عامتر مطرح کرده و موضوع را از جوانب مختلف مورد بحث قرار بدهم، که اگر چنین می‌کردم، یقیناً وقتگیر و فرصت‌براست. ازین رو عجالاً از بسط چندین جنبه مسأله منصرف گشته و به همین مختصر اکتفاء میکنم. امیدوارم که به زودی فرصت دست دهد، تا متعاقباً گفتنیهای دیگر را نیز عرضه نمایم. گرچه طیف وسیعی از چنین حالات ضمن مقالات نهمار بنده، که در آرشیفهای پورتال موجود اند، قابل دسترس میباشند.

میدانیم که استخوانبندی و قانونمندی هر زبان از روی دستور و گرامر آن تخمین و سنجش می‌گردد. همچنان میدانیم، که هر زبان دستور خاص خود را دارد، که تحمیل دستوری زبان دیگری را نمیپذیرد. و بعد ازین تمهید:

پیش از اصل بحث توجه خواننده ارجمند را به مثالهای ذیدخل ذیل جلب میکنم:

بهاءالدین، قمرالبنات، حجرالاسود، سلسله الذهب، ضیاءالملة والدین، بین النهرین، ماوراء النهر، شهرالرمضان، عبدالاله، عبدالله، ذات الیروج، ذات الریه، ماءالشعیر، نصف النهار، عرض البلد، البعث بعدالموت، تاج الدین، جاءالحق، ذوق الباطل، انباءالیوم، سیف الملوك، بهاءالملک، شمس النهار، ملک الشعراء، خاسرالدين و الدنيا، مُعَيَّر الممالک، مستوفی الممالک، مشترک المنافع، ... و صدها و هزاران مثال دیگر.

خواننده گرامی ضمن مثالهای متنوع و بیشمار بالا حتماً متوجه گردیده است، که در ترکیبات و جملات امثالی، کلماتی به وسیله "ال" مشخص و یا به کلمات بعد خود ملحق گردیده اند. و نیز توجه کرده است، که تمام اجزای مرکبه ترکیبات و جملات فوق، بدون استثناء کلمات عربی میباشند.

در صرف عربی از "ال" تعریف سخن میرود، که از طریق آن اسمای نکره را به اسمای معرفه تبدیل میکنند. کلماتی که زیر "ال" قرار دارند، "مُعَرَف" نامیده میشوند؛ یعنی معرفه گردانیده شده. "ال" (الف لام) تعریف منحصر به زبان عربی و کلمات زبان عرب است.

با این مقدمه دستوری میرویم و ترکیب "عبدالجاوید" را سنجیده و مبینیم، که این ترکیب مطابق دستور زبان عربی نیست، چون "جاوید" یک کلمه دری میباشند و "ال" تعریف را قبول ندارد.

پس "عبدالجاوید" یک ترکیب نامتجانس، غیر دستوری و نادرست است.

به محض اینکه معنای کلمه دري "جاويد" به شأن خداوند سازگار است، نمیتوانیم آن را خلاف قواعد صرف عربی با "ال" ترکیب نمائیم. اگر این طور میبود، صدها لغت دیگری هم در زبان دري داریم که با شأن خداوندی سازگاری دارند، مع هذا کسی نیامده است تا "الف لام" تعریف را در پشت سر آنها بچسپاند. اگر این کار روا میبود، در درجه اول باید "عبدالخدا" و "عبدالخداوند" هم گفته میتوانستیم، چون "خدا و خداوند" همانهایی ست که در عربی معادل آنها را در کلمات "اله و الله" یافته میتوانیم.

در مقاله بعدی، ضمن مسائل دیگر، بر ساخت صرفی اسمای قرآنی خداوند مکتب خواهد گردید.